



فوتو: پارسا/پارسا

افزایش رکود مسکن مالکان را مجبور به عقب نشینی کرد، اما هزینه‌های تولید و تعمیر خانه همچنان بالاست

کاهش ۳۰ درصدی قیمت مسکن واقعیت دارد؟

عمیق شدن رکود بازار مسکن، متقاضیان غیرمصرفی را مجبور به کوچ اجباری و فروشندگان واقعی را مجبور به عقب‌نشینی کرده است. گزارش‌های غیررسمی کاهش محسوس قیمت‌ها را در شهرهای بزرگ و تهران نشان می‌دهد. حسام عقابی، رئیس اسبق اتحادیه مشاوران املاک کشور معتقد است، اگر چه بازار مسکن کاهش ۳۰ درصدی قیمت را تجربه کرده، اما مافیای سوداگران با القای عدم ریزش به‌دنبال مدیریت روانی و افزایش منافع خود هستند. وی افزود: این حرکات سوداگرانه و مافیایی اهداف عمده را دنبال می‌کند. دسته نخست کسانی هستند که احساس می‌کنند با تلقین عدم ریزش قیمت‌ها، مردم به سرمایه‌گذاری در مسکن ترغیب می‌شوند. این حرکت اشتباه است، زیرا اگر چنین بود باید میزان رشد معاملات مسکن روند صعودی می‌داشت، در حالی که چنین اتفاقی نیفتاده است. از فروردین ۱۴۰۴ تا پایان نیمه اول سال همواره روند معاملات مسکن نزولی بوده است. عقابی گفت: دسته دوم نگاه سوداگرانه‌تر و مافیایی‌تر دارند. آنها با خبرسازی و القای اینکه هیچ کاهش قیمتی رخ نداده است، به دنبال منافع شخصی خود هستند. این دسته نه تنها علاقه‌ای به فروش واحدهای خود ندارند، بلکه برعکس، معتقدند اکنون بهترین زمان برای خرید است. آنها می‌کشند با مدیریت روانی بازار، نه‌تنها کاهش قیمت‌ها را انکار کنند، بلکه افزایش قیمت را نیز القا نمایند. هدف‌شان این است که داری‌ها و سرمایه‌های خود را متناسب با رشد طلا و ارز در کشور افزایش دهند.

رئیس اسبق اتحادیه مشاوران املاک کشور ادامه داد: این گروه اصلاً به‌دنبال معامله نیستند. در تهران ساختمان‌هایی وجود دارد که ۱۵ سال است خالی مانده‌اند، نه یک واحد، بلکه مجتمع‌های کامل. این ساختمان‌ها نه تخریب شده‌اند و نه بلااستفاده مانده‌اند، بلکه با وجود خالی‌بودن، مرتباً نگهداری و حتی بازسازی می‌شوند. به‌عبارت دیگر آپارتمان‌هایی که کلید نخورده‌اند و بیش از ۱۰ سال مالی مانده‌اند، همچنان بازسازی و نوسازی می‌شوند. این همان سوداگران هستند که نگاه‌شان به مسکن، نگاه یک سرمایه‌یادار است. از نظر آنها، بازار مسکن نسبت به طلا یا سایر بازارها امن‌تر است، چرا که ملک هم افزایش قیمت داشته و هم امکان استفاده برای دریافت وام و تسهیلات را فراهم می‌کند. به این ترتیب، در کنار نگهداشت سرمایه، از محل مالکیت این املاک را کد، نقدینگی جدید هم ایجاد می‌کنند.

اطهارات رئیس اسبق اتحادیه مشاوران املاک کشور درباره کاهش قیمت مسکن در شرایطی است که بسیاری دیگر از کارشناسان نیز بر این باورند که قیمت‌ها در بازار مسکن در ماه‌های آینده افزایش نخواهد داشت.

مجید گودری، کارشناس حوزه مسکن درباره آثار احتمالی مکانیسم عرضه بر بازار مسکن گفت: متأسفانه این بازار از جو روانی عمومی جامعه آسیب می‌پذیرد، اما به طور کلی می‌توان گفت با توجه به ریسک‌های سیاسی و از طرفی خروج اتباع بیگانه و همچنین جذاب شدن بازارهای موزاری مانند بازار ارز و طلا، بازار مسکن چندان تغییری نخواهد داشت و چه بسا کاهش قیمت نیز همانند گذشته تجربه کند. این کارشناس مسکن خاطر نشان کرد: این کاهش قیمت به این دلیل است که هیچ‌کس حاضر نیست سرمایه خود را برای چندین سال در بازار مسکن حبس کند و منتظر باشد که آیا قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند یا خیر. در مقابل، ما شاهد هستیم که سمت بازارهای موزاری مانند طلا که بیش از ۱۵۰ درصد در یک سال گذشته رشد داشته‌اند، رفته‌اند. کارشناسان البته ملاحظات زیادی در خصوص قیمت تولید مسکن دارند که به گفته آنها در پیش‌بینی قیمت‌ها باید این مؤلفه نیز در نظر گرفته شود. مطابق بر آوردهای میدانی، هزینه ساخت هر مترمربع واحد مسکونی در تهران اکنون از مرز ۳۰ میلیون تومان عبور کرده است. آمار رسمی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد هزینه تأمین مصالح ساختمانی در بهار امسال نسبت به بهار پارسال نزدیک به ۵۱/۱ برابر شده است.

این جهش ۷/۴۹ درصدی شاخص نهادهای ساختمانی، رکورد تازه‌ای در سه سال گذشته محسوب می‌شود و پیامد آن، رشد مستقیم هزینه تمام‌شده مسکن و کاهش قدرت خرید خانوارهاست. کارشناس می‌گوید ترکیب عوامل مقطعی مانند قطعی برق صنایع و افزایش نرخ ارز با مشکلات ساختاری اقتصاد، چنین جهشی را رقم زده است.

گزارش اخیر مرکز آمار نشان می‌دهد محصول ناخالص داخلی (GDP) کشور در سه‌ماهه اول سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل با کاهش مواجه شده است. این افت اقتصادی که در بخش‌های کلیدی کشاورزی، صنایع و معادن و خدمات مشهود بود، رنگ خطری برای سیاستگذاران به صدا در آورده است. براساس این گزارش، محصول ناخالص داخلی با نفت به ۲۴/۲۷۰ هزار میلیارد ریال و بدون نفت به ۱۸/۰۶۴ هزار میلیارد ریال رسید که به ترتیب ۱/۱- و ۴/۰- درصد کاهش را نشان می‌دهد. بخش کشاورزی با افت ۲/۷ درصدی، صنایع و معادن با کاهش ۰/۳ درصدی و خدمات با رشد مثبت ۵/۵ درصدی، عملکرد متفاوتی را ثبت کردند. این آمار، ضرورت بازنگری در سیاست‌های اقتصادی را بیش از پیش نمایان می‌کند.

■ ■ ■

اقتصاد کشورمان در سه‌ماهه اول سال ۱۴۰۴ با چالش‌هایی مواجه شد که نشان‌دهنده کاهش رشد در بخش‌های کلیدی اقتصادی است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP)، به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ که معیاری برای سنجش حجم فعالیت‌های اقتصادی کشور است، در بهار ۱۴۰۴ ۲۴/۲۷۰ هزار میلیارد ریال با احتساب نفت و ۱۸/۰۶۴ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسید. این رقم در مقایسه با سه‌ماهه اول سال ۱۴۰۳ که به ترتیب ۲۴/۳۰۲ و ۱۸/۱۴۳ هزار میلیارد ریال بود، کاهش اندکی را نشان می‌دهد. این کاهش هرچند به ظاهر ناچیز (۱/۱- درصد) بافت و ۴/۰- درصد بدون نفت)، اما در اقتصاد شکننده، نشانه‌ای از مشکلات عمیق‌تر است.

■ عملکرد بخش‌های مختلف اقتصادی

مرکز آمار ایران فعالیت‌های اقتصادی را در سه گروه اصلی کشاورزی، صنایع و معادن و خدمات دسته‌بندی و عملکرد هر یک را به تفکیک بررسی کرده است.

■ افت قابل توجه بخش کشاورزی

بخش کشاورزی که شامل زیربخش‌هایی مانند زراعت، باغداری، دامداری، جنگل‌داری و ماهیگیری است، در بهار ۱۴۰۴ رشد منفی ۲/۷ درصدی را تجربه کرد. این کاهش می‌تواند نتیجه عوامل متعددی از جمله تغییرات زراعی، کمبود آب، خشکسالی‌های اخیر و محدودیت منابع آبی در بسیاری از مناطق کشور، تولید محصولات زراعی و باغی را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین، افزایش هزینه‌های تولید مانند قیمت کود و پلر و مشکلات مربوط به دسترسی کشاورزان به بازارهای صادراتی از دیگر عواملی هستند که این افت دامن زده‌اند. این روند نیاز ک شوری که بخش قابل توجهی از جمعیت آن به کشاورزی وابسته است، نگران‌کننده است.

■ کاهش اندک بخش صنایع و معادن

گروه صنایع و معادن نیز که شامل استخراج نفت و گاز، سایر معادن، صنعت، تأمین آب، برق، گاز و ساختمان می‌شود، در سه‌ماهه اول ۱۴۰۴ رشد منفی ۰/۲ درصدی



در دهه‌های اخیر، حمایت از تولید داخلی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی ایران مطرح بوده است. دولت و مجلس با ابزارهایی مانند تصویب قوانین بودجه‌ای با اعتبارات هفتک، اعطای تسهیلات بانکی کمپهر، پاره‌های انرژی ارزان و اعمال تعرفه‌های وارداتی حفاظتی، تلاش کرده‌اند تا بخش تولید را تقویت کنند و وابستگی به واردات را کاهش دهند. این سیاست‌ها اغلب با شعارهایی مانند جهش تولید یا اقتصاد مقاومتی همراه بوده‌اند و هدف‌شان ایجاد اشتغال پایدار، افزایش حمایت‌های صادراتی و بهبود تراز تجاری کشور است. با این حال، نگاهی به واقعیت‌های اقتصادی ایران تصویری متفاوت ترسیم می‌کند. نرخ رشد اقتصادی که در بسیاری از سال‌ها کمتر از ۲ درصد باقی مانده، کیفیت پایین محصولات داخلی که رقابت در بازارهای جهانی را دشوار می‌سازد و سهمی ناچیز از بازارهای بین‌المللی که نشان‌دهنده عدم موفقیت در دستیابی به اهداف بلندپروازانه است. این ناکامی‌ها ریشه در مجموعه‌ای از دلایل ساختاری دارد که سیاست‌های حمایتی را از مسیر اصولی منحرف کرده‌اند. این انگارها که اغلب بر پایه فرضیات ساده‌انگارانه بنا شده‌اند، منجر به پدیده‌هایی مانند «رانت‌پاشی» یا «رانت‌پاشی» شده‌اند. آمار صندوق بین‌المللی پول (IMF) نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با همسایگانی مانند ترکیه و عربستان سعودی، فاصله‌ای بیش از دوبرابری دارد که این شکاف تا حد زیادی به ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی برمی‌گردد. علاوه بر این، شاخص‌های جهانی مانند رتبه پایین ایران در گزارش‌های رقابت‌پذیری اقتصادی، برنامه‌بدهی بون محیط کسبوکار تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه این انگارها چرخه‌ای معیوب ایجاد کرده‌اند که به جای تقویت تولید، فعالیت‌های نامولد را تشویق می‌کند. انگارهای نادرست در حمایت از تولید، اغلب از یک پیش‌بینی غلط نشأت می‌گیرند: این باور که هر نوع حمایت مالی با قانونی، بدون نیاز به ساختارهای دقیق و اولویت‌بندی، می‌تواند به رونق تولید منجر شود. این دیدگاه ساده‌لوحانه، سیاست‌ها را به سمت توزیع منابع بدون ارزیابی هدایت می‌کند و در نهایت به شکست منجر می‌شود.

برای درک بهتر، این انگارها را به سه لایه اصلی تقسیم می‌کنیم: حمایت‌های غیرهدفمند که در رانت‌پاشی می‌انجامد، عدم اصابت به هدف که منابع را هدر می‌دهد و تأثیر منفی بر امنیت سرمایه‌گذاری که کارآفرینی را سرکوب می‌کند. هر لایه را با تحلیل عمیق، مثال‌های عملی و مقایسه‌های جهانی بررسی می‌کنیم تا منسجم‌تر نشان دهیم چگونه این عوامل به یکدیگر متصل هستند و چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کنند. این پیوستگی نشان

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۹۰۶۰۸۵۲۳

گزارش یک

حسام کمالی



فوتو: پارسا/پارسا

اقتصاد در بهار ۱۴۰۴ رشد منفی را تجربه کرد

رشد اقتصادی به عقب بازگشت

دیگر، مشکلات ساختاری اقتصاد، مانند وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی، ناکارآمدی در مدیریت منابع و کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، همچنان مانع از بهبود رشد پایدار می‌شود. در بخش کشاورزی، کمبود آب و فرسایش خاک و در بخش صنعت، فرسودگی زیرساخت‌ها و فناوری‌های قدیمی از جمله چالش‌هایی هستند که نیاز به توجه فوری دارند.

■ مقایسه با سال‌های گذشته

برای درک بهتر وضعیت اقتصادی در بهار ۱۴۰۴، مقایسه با سال‌های گذشته مفید است. در سال ۱۴۰۳، اقتصاد کشورمان رشد مثبت اندکی را تجربه کرده بود، اما این رشد عمدتاً به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی نفت و بهبود نسبی صادرات آبی و افزایش خدمات دیجیتال، مانند ارتباطات و فناوری اطلاعات و همچنین فعالیت‌های مرتبط با خرده‌فروشی و خدمات عمومی از عوامل اصلی این رشد بوده است. با این حال، این رشد مثبت نتوانست افت سایر بخش‌ها را جبران کند و تأثیر کلی بر اقتصاد منفی باقی مانده است.

■ عوامل تأثیرگذار بر افت اقتصادی

کاهش رشد اقتصادی در بهار ۱۴۰۴ را می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد. تورم بالا و کاهش قدرت خرید مردم، تقاضای داخلی را تحت تأثیر قرار داده و به رکود در بخش‌های تولیدی و خدماتی منجر شده است. از سوی دیگر، مشکلات ساختاری اقتصاد، مانند وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی، ناکارآمدی در مدیریت منابع و کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، همچنان مانع از بهبود رشد پایدار می‌شود. در بخش کشاورزی، کمبود آب و فرسایش خاک و در بخش صنعت، فرسودگی زیرساخت‌ها و فناوری‌های قدیمی از جمله چالش‌هایی هستند که نیاز به توجه فوری دارند.

برای درک بهتر وضعیت اقتصادی در بهار ۱۴۰۴، مقایسه با سال‌های گذشته مفید است. در سال ۱۴۰۳، اقتصاد کشورمان رشد مثبت اندکی را تجربه کرده بود، اما این رشد عمدتاً به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی نفت و بهبود نسبی صادرات آبی و افزایش خدمات دیجیتال، مانند ارتباطات و فناوری اطلاعات و همچنین فعالیت‌های مرتبط با خرده‌فروشی و خدمات عمومی از عوامل اصلی این رشد بوده است. با این حال، این رشد مثبت نتوانست افت سایر بخش‌ها را جبران کند و تأثیر کلی بر اقتصاد منفی باقی مانده است.

کاهش رشد اقتصادی در بهار ۱۴۰۴ را می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد. تورم بالا و کاهش قدرت خرید مردم، تقاضای داخلی را تحت تأثیر قرار داده و به رکود در بخش‌های تولیدی و خدماتی منجر شده است. از سوی دیگر، مشکلات ساختاری اقتصاد، مانند وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی، ناکارآمدی در مدیریت منابع و کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، همچنان مانع از بهبود رشد پایدار می‌شود. در بخش کشاورزی، کمبود آب و فرسایش خاک و در بخش صنعت، فرسودگی زیرساخت‌ها و فناوری‌های قدیمی از جمله چالش‌هایی هستند که نیاز به توجه فوری دارند.

برای درک بهتر، این انگارها را به سه لایه اصلی تقسیم می‌کنیم: حمایت‌های غیرهدفمند که در رانت‌پاشی می‌انجامد، عدم اصابت به هدف که منابع را هدر می‌دهد و تأثیر منفی بر امنیت سرمایه‌گذاری که کارآفرینی را سرکوب می‌کند. هر لایه را با تحلیل عمیق، مثال‌های عملی و مقایسه‌های جهانی بررسی می‌کنیم تا منسجم‌تر نشان دهیم چگونه این عوامل به یکدیگر متصل هستند و چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کنند. این پیوستگی نشان

می‌دهد که اصلاح یک لایه بدون توجه به دیگران، کافی نیست و نیاز به رویکردی جامع دارد. ■ **لایه اول: حمایت‌های غیرهدفمند و پدید رانت‌پاشی** انگاره نخست این است که تخصیص گسترده اعتبارات بودجه‌ای، بدون ارزیابی دقیق عملکرد در یافت‌کنندگان می‌تواند تولید را تقویت کند. این دیدگاه اغلب به «پول‌پاشی» یا «رانت‌پاشی» تبدیل می‌شود، جایی که حمایت‌ها به جای تولیدکنندگان واقعی، به گروه‌هایی می‌رسد که از روابط رانتی بهره می‌برند. در قوانین بودجه سالانه ایران، اعتبارات قابل توجهی برای حمایت از تولید صنایع کوچک و متوسط (SMEs) از کمبود دسترسی به تسهیلات بودجه‌ای گلايه دارند، در حالی که منابع اغلب به شرکت‌های بزرگ دولتی یا وابسته تخصیص می‌یابد. این عدم اصابت ریشه در موانعی مانند انحصار در صدور مجوزها، بی‌ثباتی مقررات و فرآیندهای اداری پیچیده دارد که ورود سرمایه‌گذاران جدید را دشوار می‌سازد و به لایه اول (رانت‌پاشی) متصل است.

برای تحلیل عمیق‌تر، این انگاره را لایه‌به‌لایه بررسی می‌کنیم؛ لایه اول، توزیع نابرابر منابع است که حمایت‌ها را از SMEs – که بیش از ۸۰ درصد اشتغال صنعتی را ایجاد

دارد. کاهش تولید ناخالص داخلی به معنای کاهش درآمد سرانه و احتمالاً افزایش بیکاری و فقر است. بخش کشاورزی که منبع درآمد بسیاری از خانوارهای روستایی است با افت قابل توجهی مواجه شده و این می‌تواند به مهاجرت بیشتر از روستاها به شهرها منجر شود. در بخش صنایع، کاهش تولید می‌تواند به تعطیلی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط و افزایش بیکاری در شهرها منجر شود.

با این حال، رشد مثبت بخش خدمات نشان می‌دهد درصت‌هایی برای بهبود وضعیت اقتصادی وجود دارد. سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیجیتال، مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، می‌تواند به ایجاد مشاغل جدید و افزایش بهره‌وری کمک کند. همچنین، اصلاح سیاست‌های اقتصادی، مانند کاهش وابستگی به نفت، بهبود مدیریت منابع آب و حمایت از تولید داخلی، می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کمک کند. برای برون‌رفت از این وضعیت، سیاستگذاران باید اقدامات فوری و بلندمدت را در دستور کار قرار دهند. در بخش کشاورزی، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های آبیاری نوین و حمایت از کشاورزان برای دسترسی به نهاده‌های باکیفیت می‌تواند به بهبود تولید کمک کند. در بخش صنایع، رفع موانع تولید، مانند تأمین مالی و دسترسی به مواد اولیه و همچنین نوسازی ماشین‌آلات ضروری است. در بخش خدمات، تقویت زیرساخت‌های دیجیتال و حمایت از استارت‌آپ‌ها می‌تواند به رشد این بخش کمک کند. علاوه بر این، بازسازی‌های ساختاری، مانند کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، بهبود فضای کسبوکار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای دستیابی به رشد پایدار ضروری است.

■ **ضررهای به برنامه هفتم پیشرفت**

برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، رشد اقتصادی ۸ درصدی را به عنوان ستون فقرات توسعه پایدار هدفگذاری کرده و اولویت اصلی آن «پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت» است. در این برنامه، متوسط رشد ۸ درصدی اقتصاد به عنوان معیاری برای افزایش بهره‌وری عوامل تولید (از نیروی انسانی تا فناوری و مدیریت) با تأکید بر کاهش وابستگی به نفت و تقویت بخش خصوصی تعریف شده است، اما واقعیت میدانی، فاصله عمیقی با این اهداف دارد. رشد منفی بهار ۱۴۰۴ که برای اولین بار از بهار ۱۴۰۰ رخ داده، نشان دهنده خشکی موتورهای محرکه اقتصاد است. این وضعیت اهداف برنامه هفتم را به چالش می‌کشد و خطر رکود تومری را – ترکیبی از رشد منفی و تورم بالا – به اقتصاد تزریق می‌کند. با این حال زمان تنگ است. اگر رشد منفی به باستان کشیده شود، رکود رسمی (دفعه ششمی) حتمی خواهد بود و برنامه هفتم به جای پیشرفت، به عقب‌گرد مبدل می‌شود. کارشناسان پیشنهاد می‌کنند کاهش وابستگی به نفت به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو، اصلاح پارانه‌ها برای هدفمندسازی و دیپلماسی اقتصادی برای جذب سرمایه خارجی می‌تواند این بحران را به فرصتی برای جهش تبدیل کرد.



سرمایه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد که این امر چرخه را به لایه‌های قبلی بازمی‌گرداند.

در مقایسه، چین با تمرکز بر امنیت سرمایه‌گذاری از طریق ثبات قوانین و حمایت قوی از مالکیت خصوصی جهش تولید را تجربه کرد و به دومین اقتصاد جهان تبدیل شد، در حالی که در اقتصادهایی با بی‌ثباتی مشابه، این لایه به سرکوب کارآفرینی منجر شده است. این تحلیل منسجم نشان می‌دهد که بدون تقویت امنیت حمایت‌هایی توانند ظرفیت‌های بالقوه را به فعلیت برسانند و کل سیستم نیز به اصلاح یکپارچه‌دارد.

■ **اصلاح انگارها و جهش واقعی تولید**

انگارهای نادرست در حمایت از تولید از رانت‌پاشی غیرهدفمند تا عدم اصابت به هدف و تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری چرخه‌ای معیوب ایجاد کرده‌اند که تولید را سرکوب، منابع را هدر و فعالیت‌های نامولد را تقویت می‌کند. این انگارهمانه تنها نرخ رشد اقتصادی را پایین نگه داشته‌اند، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران را نیز بریده و اقتصاد را در دام رکود گرفتار کرده‌ای. حتی خروج از این وضعیت، نیاز به اصلاحات ساختاری است که سیاست‌ها را منسجم و هدفمند سازد و لایه‌های مختلف را به یکدیگر پیوند دهد. پیشنهادها عبارتند از اول، هدفمند کردن حمایت‌ها با اولویت‌بندی صنایع پیشران مانند فناوری و کشاورزی پیشرفته، همراه با ارزیابی مداوم عملکرد در یافت‌کنندگان برای جلوگیری از رانت‌پاشی. دوم، افزایش شفافیت از طریق سازوکارهای پاسخگو می‌مانند گزارش‌دهی سالانه اثربخشی بودجه‌ها و استفاده از قوانین‌های دیجیتال برای نظارت که اصابت به هدف را تضمین کنند. سوم، تقویت امنیت سرمایه‌گذاری با اصلاح قوانین مالکیت، کاهش بی‌ثباتی مقررات و ایجاد دادگاههای تخصصی برای حل اختلافات اقتصادی که کارآفرینی را تشویق نماید. علاوه بر این، می‌توان از مدل‌های موفق جهانی مانند کره جنوبی الگوبرداری و حمایت‌ها را زمان‌دار و مشروط به نتایج ملموس کرد. اجرای این پیشنهادها نیازمند هماهنگی بین دولت، مجلس و بخش خصوصی است تا چرخه معیوب شکسته شود.

اجرای این پیشنهادها می‌تواند اقتصاد ایران را از دام انگارهای غلط نجات دهد و به سمت جهش تولید واقعی با افزایش صادرات، بهبود کیفیت و ایجاد اشتغال پایدار هدایت کند. سیاستگذاران باید این پیشش‌ها را اصلاح کنند و حمایت‌ها را از «رانت‌پاشی» به «رانت‌مولد» تبدیل نمایند. در نهایت، بدون چنین تغییراتی، هر سیاست جدیدی محکوم به تکرار شکست‌های گذشته خواهد بود و فرصت‌های رشد پایدار را دست خواهد رفت. این اصلاحات نه تنها اقتصادی، بلکه اجتماعی نیز هستند و می‌توانند اعتماد عمومی را بازسازی کنند.

■ **پروژه‌شکر اقتصادی**